

پرداخت دیه شرط بخشش پس از ۱۹ سال زندان

■ **غلامرضا مسکنی**

۱۹سال انتظار برای قاتلی که پدر و پسری را به خاطر ۳۵ میلیون تومان به قتل رسانده بود با برگزاری جلسه صلح و سازش به پایان رسید. اولیای دم اعلام کردند اگر قاتل دو دبه پرداخت کند، او را می‌بخشند و گرنه قصاص می‌کنند. حالا قاتل که نزدیک به دو دهه از عمرش را در زندان اسپیری می‌کند، اگر دیه دو مکتول را فراهم کند به زندگی دوباره باز می‌گردد.

■ ■ ■

اوایل بهمن ماه سال ۱۳۸۶، زنی سراسیمه به اداره پلیس تهران رفت و از گم شدن ناگهانی شوهر میانسال و پسر است: او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «شوهرم محمد و پسرم پیروز یک شرکت خصوصی دارند و هر روز برای کار به دفترشان می‌روند. امروز آنها مثل همیشه از خانه خارج شدند. بعد فهمیدم برای معامله یک کارگاه در اطراف تهران از دفتر بیرون رفته‌اند. الان چند ساعتی است از آنها بی خبریم و تلفن همراهشان خاموش است. احتمال می‌دهم برایشان اتفاقی رخ داده باشد.»

■ **کشف خودروی رها شده با جسد در صندوق عقب**
پس از طرح این شکایت، مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا کردن ردی از پدر و پسر گمشده آغاز کردند، اما نتیجه‌ای به دست نیامد. تا اینکه ۲۴ ساعت بعد، مأموران گشت پلیس خودروی سواری رها شده‌ای را در اطراف تهران کشف کردند. اما آنچه مأموران را شوکه کرد، آثار خون روی صندلی‌های جلو بود که حکایت از حادثه‌ای خونین داشت. رد خون به صندوق عقب منتهی شد. مأموران با گشودن در صندوق عقب، با جسد مرد جوان و میانسالی روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به قتل رسیده بودند. بررسی پلاک خودرو نشان داد مالک خودرو همان پدر و پسر گمشده هستند. محمد و پیروز، در صندوق عقب خودروی خودشان، به قتل رسیده‌بودند.

■ **قولنامه مجاله شده: سر نخ اصلی**

کشف جسد پدر و پسر، پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، تحقیقات فنی

خود را برای پیدا کردن سرنخی از عامل یا عاملان قتل آغاز کردند. تیم جنایی بررسی خود را از محل کار پدر و پسر کشته شده شروع کردند. در آنجا، کارآگاهان قولنامه مجاله شده‌ای را داخل یک سطل زباله کشف کردند. همین سرخ، آنها را در نهایت به عاملان قتل رساند.

قولنامه مربوط به خرید یک کارگاه در اطراف شهرستان اشتهارد بود. مشخص شد پدر و پسر روز حادثه پس از تنظیم این قولنامه، برای بازدید به کارگاه رفته بودند.

■ **ردزنی تا کارگاه و نگهبان مرموز**

مأموران راهی کارگاه در اطراف اشتهارد شدند و دریافتند کارگاه یک سوله مترو که استتک که قبلاً کارگاه تراشکاری بوده. مرد جوانی به نام «فرامرز» در آنجا نگهبانی می‌دهد و صاحب کارگاه سال‌هاست در خارج از کشور زندگی می‌کند. بررسی‌ها و گفته‌های شاهدان نشان می‌داد روز حادثه پدر و پسر در آنجا دیده شده‌اند، اما نگهبان کارگاه هنوز حضور آنها بود. تناقض گویی‌های فرامرز باعث بازداشت او شد.

■ **افشای راز توسط نگهبان**

فرامرز پس از روبه‌رو شدن با شواهد و دلایل، راز قتل پدر و پسر را برملا کرد. او به مأموران گفت: «چند روز قبل از حادثه، مردی به نام فرهاد مرا به عنوان نگهبان این کارگاه استخدام کرد. در این مدت، او چند بار همراه پدر و پسر کشته شده برای بازدید به کارگاه آمدند. آخرین بار، روز حادثه، فرهاد همراه دو مرد که آنها مدعی بودند صاحب کارگاه هستند و پدر و پسر به جا کارگاه آمدند. بعد فهمیدم فرهاد آنها را به قتل رسانده است.»

■ **دستگیری فرهاد و انکار اولیه**

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران «فرهاد» را تحت تعقیب قرار دادند و در نهایت وی را دستگیر کردند. متهم ابتدا منکر جرم خود شد، اما بعد ادا کرد قتل را دو نفر از همدستانش به نام «بهروز» و «سیروس» انجام داده‌اند.

با این حال، سیروس و بهروز پس از دستگیری قتل را انکار کردند و گفتند فرهاد دروغ می‌گوید و خودش مرتکب قتل شده‌است. بررسی‌ها و شواهد نیز حکایت از آن داشت که

قاتل اصلی فرهاد است و سه متهم دیگر در این دو قتل معاونت داشته‌اند. فرهاد پس از بازجویی فنی، ناچار به قتل پدر و پسر اعتراف کرد.

■ **اعتراف تکان دهنده قاتل**

فرهاد در بازجویی به کارآگاهان گفت: «وضع مالی‌ام خوب بود، اما او ورشکست و با مشکلات مالی زیادی روبه‌رو شدم. این کارگاه را از قبل می‌شناختم و می‌دانستم مالک آن خارج از کشور است. دنبال فرصتی بودم تا در غیاب مالک، کارگاه را بفروشم و مشکلات مالی‌ام را جبران کنم. برای فروش کارگاه آگهی دادم تا اینکه پدر و پسر به عنوان خریدار با من تماس گرفتند. وقتی فهمیدم آنها پولدارند و واقعاً قصد خرید دارند، با آنها قرار گذاشتم و در نهایت قولنامه‌ای تنظیم کردیم.»

وی ادامه داد: «قرار شد مبلغ زیادی را به صورت نقدی به من تحویل دهند. روز حادثه با آنها در محل کارگاه قرار ملاقات گذاشتم. آنها با ۳۵ میلیون تومان پول و چک مسافرتی به کارگاه آمدند. از سوی دیگر، برای اینکه آنها شک نکنند، از قبل سه نفر از دوستانم را استخدام کردم. یک نفر نگهبان کارگاه و دو نفر دیگر هم نقش صاحبان کارگاه را بازی کردند که به تاریکی از خارج آمده بودند. آن روز برای اینکه ردی از خود به جا نگذاریم، پدر و پسر را به قتل رساندم و پول هایشان را سرت کردم. سپس جسد‌ها را داخل صندوق عقب خودروشان گذاشتم و در اطراف تهران رها کردیم.»

■ **محاکمه و حکم قصاص**

متهمان پس از اعتراف در دادگاه محاکمه شدند. فرهاد، متهم دریافتن اهل، به جرم دو قتل عمد به دو بار قصاص محکوم شد. سه متهم دیگر نیز به حبس محکوم گردیدند. حکم قصاص فرهاد پس از تأیید در دیوان عالی کشور، برای سیر مراحل اجرا به شعبه اجرای احکام دادرسی امور جنایی

بازداشت شده توصیف کردند.

قاتل: می‌خواستم از من حساب ببرد!

■ **جلال مهرگان**

هفت ماه پس از کشف جسد زن میانسال در سونای ویلایی در لوسان، داماد خانواده و دختر بزرگ مقتول در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفتند. در آن جلسه متهم اصلی مدعی شد قصد قتل نداشته و «فقط می‌خواستم مادر زنش از او حساب ببرد». اما اولیای دم این جنایت را قتلی از پیش طراحی شده توصیف کردند.

صبح ۲۹ مهر سال گذشته، سکوت ویلای خانوادگی در لوسان با یک تماس نگران کننده شکست؛ دختری جوان هراسان به پلیس خبر داد مادرش نابدید شده‌است. زن میانسال بدون اطلاع از خانه خارج شده بود و خودروی ال ۹۰۰ نیز در حیاط دیده نمی‌شد. خانواده می‌گفتند او هرگز سابقه نداشت بی خبر جایی برود و همین غیبت ناگهانی، بسوی حادثه می‌داد. از همان روز، جست‌وجو برای یافتن زن میانسال آغاز شد؛ جست‌وجویی که پنج روز ادامه داشت تا اینکه از تلخ ماجرا در گوشه‌ای فراموش شده از همان خانه برملا شد. جسد زن در سونای ویلا پیدا شد؛ جایی که سال‌ها بیشتر شبیه انباری استفاده می‌شد و کمتر کسی به آن سر می‌زد.

■ **ورود تیم جنایی**

کارآگاهان جنایی وی طی وارد ویلا شدند، با صحنه‌ای مواجه شدند که نشان می‌داد قاتل تلاش زیادی برای پاک کردن ردپاهایش انجام داده‌است. خانه به‌طور کامل به‌هم ریخته‌نبود، اما نشانه‌های ظریفی از یک درگیری مبرگبار دیده می‌شد. بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف ویلا، سرسرخ اصلی پرونده را آشکار کرد؛ مردی با ماسک و لباس تیره وارد خانه شده و ساعت‌ها بعد آنجا را ترک کرده بود. یکی از همسایه‌ها هنگام خروج او را شناخت؛ داماد خانواده.

مرگ آتشین ۲ سرنشین بیگان در بی‌احتیاطی راننده اتوبوس

ساتحه‌ای هولناک در آزادراه کاشان -قم، به مرگ دلخراش دو سرنشین یک دستگاه بیگان منجر شد؛ حادثه‌ای که پس از برخورد خودرو و فرار راننده اتوبوس همراه بود.

سرهنگ سیاوش محبی، جانشین پلیس راه راهور فراجا گفت: این حادثه ساعت ۳:۳۰ بامداد روز گذشته در محدوده روه‌روی پادگان شهید حسن زاده رخ داد؛ جایی که یک دستگاه اتوبوس اسکانیا در سا در مسیر اردکان یزد به تهران، از عقب با یک دستگاه سواری بیگان برخورد کرد. به گفته وی، شدت تصادف به حدی بود که اتوبوس پس از حدود ۱۴۰ متر ترمز و کشیدگی روی آسفالت، متوقف و دچار حریق شد. در همین حال، بیگان نیز آتش گرفت و راننده و سرنشین آن به دلیل گرفتار شدن داخل خودرو، در شعله‌ها جان باختند. بررسی‌های اولیه پلیس نشان می‌دهد راننده اتوبوس پس از مشاهده خودروی سواری اقدام به ترمزگیری کرده، اما به دلیل سرعت بالا موفق به کنترل وسیله نقلیه نشده‌است. جانشین پلیس راه راهور فراجا با اشاره به متواری شدن راننده اتوبوس پس از حادثه گفت: اقدامات تخصصی برای شناسایی و دستگیری وی ادامه دارد. سرهنگ محبی افزود: در بررسی اولیه، علت حادثه بی‌احتیاطی راننده اتوبوس به دلیل عدم توجه کافی به جلو اعلام شده، اما کارشناسان پلیس راه همچنان در حال بررسی دقیق ابعاد این سانحه مبرگبار هستند.



فرستاده شد. متهم چند سال پس از حادثه برای اولین بار پای چوبه دار رفت، اما به دلیل حضور نداشتن اولیای دم، قصاصش به زمان دیگری موکول شد.

■ **۱۹ سال بلا تکلیفی و جلسه صلح و سازش**

حالا ۱۹ سال از وقوع آن حادثه می‌گذرد. فرهاد در وضعیت بلا تکلیفی در زندان به سه سسر می‌برد. مدتی قبل، او با نوشتن نامه‌ای، درخواست تعیین تکلیف پرونده‌اش را کرد.

پس از این درخواست، شعبه اجرای احکام جلسه صلح و سازش برگزار کرد. در آن جلسه، فرزندان مقتول (ولیای دم) اعلام کردند: «چنانچه قاتل دیه دو مکتول را پرداخت کند، او را می‌بخشیم. و گرنه به زودی حکم قصاص را اجرا می‌کنیم.» حالا همه چیز به تصمیم فرهاد و خانواده‌اش بستگی دارد. او ااگر بتواند دیه دو نفر را پرداخت کند پس از ۱۹ سال از زندان آزاد می‌شود و زندگی تازه‌ای را شروع می‌کند و در غیر اینصورت پرونده‌اش با قصاص بسته می‌شود.



■ **دامادی با چهره گرم شده**

با افشای این سرخ، محمد ۲۳ساله بازداشت شد و خیلی زود به درگیری مبرگبار با مادر زنش اعتراف کرد. هر چند مدعی بود همسرش شیوا در ماجرا نقشی نداشته، اما بررسی تماس‌ها، رفت‌وآمدها و برخی تناقض‌ها باعث شد دختر بزرگ مقتول نیز به اتهام معاونت در قتل

■ **جلسه دادرسی**

هفت ماه بعد، پرونده روی میز قضات شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت؛ جلسه‌ای طولانی که در آن هر طرف، روایت خودش را از جنایت مطرح کرد. در ابتدای جلسه، پدر مقتول با صدایی لرزان روبه‌روی قضات ایستاد و گفت دامادش از مدت‌ها قبل برای قتل برنامه‌ریزی کرده‌بود؛ «صورتش را گرم کرده‌بود، کلاه‌گیس گذاشته بود، شوکر همراه داشت. مگر کسی برای حرف‌زدن شوکر می‌برد؟» او مدعی شد متهم پس از قتل، جسد را به زیرزمین منتقل کرده بود.

■ **فقط می‌خواستم از من حساب ببرد**

وقتی نوبت دفاع محمد رسید، مرد جوان قتل عمدی را انکار کرد و گفت قصدش فقط صحبت با مادر زنش بوده‌است. او توضیح داد دو روز قبل از حادثه، همراه همسرش در ویلایی در شیرگاه اقامت داشته و تصمیم گرفته مخفیانه به تهران بیاید تا با مادر زنش صحبت کند؛ «می‌ترسیدم دوباره از من قلم‌ب بگیرد و برایم در سسر درست کند.» محمد گفت شبانه از پنجره وارد خانه شده و ساعت‌ها در انباری پنهان مانده است. عصر روز بعد، وقتی سنگ خانه سسر و صدا کرده، مادر زنش متوجه حضور او شده و میانشان درگیری رخ داده است. به گفته متهم، او با شوکر به زن میانسال ضربه زده اما

■ **خبر**

کشت خشخاش آزاد نشده‌است

دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر یسارد شایعات مطرح شده درباره آزادسازی کشت خشخاش، تأکید کرد که قانون همچنان یابرجاست و هرگونه کشت غیر مجاز این گیاه ممنوع است.

به گزارش «جوان»، دکتر حسین ذوالفقاری، نماینده رئیس‌جمهور و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر، در دومین جلسه کمیته حقوقی و قضایی این ستاد گفت: «کشت خشخاش به هیچ عنوان آزاد نشده و برخی به اشتباه این موضوع را مطرح کرده‌اند. قانون همان قانون قبلی است و تغییری در ممنوعیت کشت این گیاه ایجاد نشده‌است.»

وی با اشاره به نیازهای دارویی کشور افزود: «پس از ماه‌ها بررسی کارشناسی، موضوع کشت گیاه شقایق الیغرا مورد توجه قرار گرفت؛ گیاهی که تحت پروتکل‌های بین‌المللی قرار دارد و امکان استحصال آن توسط عموم وجود ندارد.»

ذوالفقاری همچنین یکی از چالش‌های اصلی حوزه موادمخدر را ضعف بازدارندگی مجازات‌ها در زمینه کشت غیر مجاز گیاهان مخدر دانست و گفت: «در جلسات متعدد سال گذشته درباره

اصلاح قانون بحث شد و با توجه به اجاع صورت گرفته، مقرر شد شدت مجازات‌ها و اصلاح برخی مواد قانونی برای تصویب فوری به مجلس ارائه شود.» دبیر کل ستاد مبارزه با موادمخدر در ادامه به موضوع در مان معاندان پرداخت و تأکید کرد: «باید مشخص شود آیا همه معاندان نیازمند یک نسخه درمانی واحد هستند یا باید بر اساس شرایط، پروتکل‌های متنوع و سطح‌بندی شده برای آنان تعریف شود.» وی افزود: «در بررسی‌های انجام شده، معاندان در چند سطح مختلف دسته‌بندی شدند؛ برخی قابل درمان کامل هستند، برخی می‌توانند مصرف مواد پرخطر را به مواد کم‌خطر کاهش دهند و گروهی نیز صرفاً در چارچوب کاهش آسیب قرار می‌گیرند.»

ذوالفقاری ی برنامه‌ریزی برای ایجاد «کلینیک‌های جامع درمان اعتیاد» خبر داد و گفت: «لازم است چرخه‌ای دقیق و مشخص طراحی شود تا هر فرد معناد بداند برای درمان باید به کجا مراجعه کند، چه آزمایش‌هایی انجام دهد و چه خدمات روان‌شناسی دریافت کند.»

قتل مرد میانسال

حوالی دره فرحزاد

■ **آرمین بینا**

مرد میانسالی با شلیک گلوله حوالی دره فرحزاد به قتل رسید. کارآگاهان جنایی تحقیقات برای شناسایی قاتل را آغاز کردند.

غروب روز دوشنبه، بیست و هشتم اردیبهشت، زن و مرد جوانی که برای تفریح به اطراف دره فرحزاد در شمال تهران رفته بودند، با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. آنها در اطراف دره، جسد خونین مرد میانسالی را پیدا کردند که با شلیک گلوله به قفسه سینه در پرتگاه مرگ قرار داشت. مرد میانسال به سختی نفس می‌کشید و قادر به حرف زدن نبود. زن و مرد جوان بلافاصله او را با خودروی شخصی‌شان به بیمارستان منتقل کردند.

■ **تلاش ناکام**

مرد زخمی بلافاصله تحت درمان قرار گرفت و به اتاق عمل منتقل شد. تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات جان او کرد، اما شدت جراحات و خونریزی داخلی به حدی بود که چند ساعت بعد - حدود ساعت ۲۴ نیمه‌شب - مرد میانسال به کام مرگ رفت. موضوع بلافاصله به پلیس گزارش داده شد.

■ **ورود باز پرس ویژه قتل**

خبر قتل مرد میانسال را مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب به قاضی غلامحسین صادقی زاده، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران، اطلاع دادند. قاضی بلافاصله همراه با تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه حاضر شد و تحقیقات خود را آغاز کرد.

مأموران هویت مقتول را از روی مدارکش شناسایی کردند. او «حمید» ۵۵ساله بود که همراه خانواده‌اش در تهران زندگی می‌کرد.

■ **تحقیق از زوج جوان و خانواده مقتول**

تیم جنایی در نخستین گام، از زن و مرد جوانی که مقتول را به بیمارستان منتقل کرده بودند، تحقیق کردند. یکی از آنها گفت: «بعد از ظهر همراه همسرم برای تفریح به اطراف دره فرحزاد رفته بودیم. دو نفری قدم می‌زدیم که چشمانم به یوکر آلود یک مرد افتاد. از آنجایی که احتمال می‌دادم تا رسیدن اورژانس، او فوت کند، تصمیم گرفتم خودمان او را به بیمارستان منتقل کنیم. حیف که نشد نجات پیدا کرد.» مأموران پلیس در ادامه به سراغ خانواده مقتول رفتند. یکی از اعضای خانواده گفت: «امروز قبل از ظهر مثل همیشه از خانه بیرون رفت. به گفته خودش، کاری داشت و باید انجام می‌داد. ما خبری از او نداشتیم تا اینکه پلیس به ما خبر داد در بیمارستان بستری است. بلافاصله به بیمارستان رفتیم. تازه فهمیدم که او با شلیک گلوله زخمی شده و چند ساعت بعد هم پلیس خبر فوت او را به ما داد.»

وی افزود: «ما خبر نداریم او با چه فردی با افرادی اختلاف داشته که به خاطر همین موضوع به قتل رسیده‌است. او در این باره با ما حرفی نزده بود. الان کاملاً شو که هستیم و نمی‌دانیم چه کسی می‌تواند چنین کاری کرده باشد.»

■ **آغاز تحقیقات گسترده پلیس**

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، مأموران پلیس به دستور باز پرس جنایی، تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کردند. کارآگاهان در گام اول، دوربین‌های مدار بسته محدوده دره فرحزاد و مسیرهای تردد مقتول را بازبینی می‌کنند. همچنین تحقیقات میدانی از افراد محلی و شاهدان احتمالی در دستور کار قرار دارد. پلیس امیدوار است با جمع‌آوری سرخ‌های بیشتر، برده از این قتل مرموز برآرد.

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تأیید انتقال عادی و با سهم مفروضی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند، از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و آرا به گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به آرا به حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
رای شماره مورخ حامد اختریان فرزند رسول بشماره شناسنامه ۱۲۷۰۱۲۵۳۴ صادره از اصفهان به شماره ملی ۱۲۷۰۱۲۵۳۴۶ در شش‌دانگ یکباب ملک مسکونی احدانی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۷۹۹۴ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۴۴/۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

حمیدرضا خسروی - رئیس ثبت اسناد و مالک ثبت شرق اصفهان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

شناسه آگهی: ۲۱۹۶۵۹۰